

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

طرح موضوع بحث سال آینده

بحث ما به ابتدای شرایط وجوب حجة الاسلام رسید. به ذهنم رسید که اگر بخواهیم این بحث را شروع کنیم، چون هفته آینده فقط درس است به جایی نمی‌رسد مخصوصاً در اول بحث، باید اشاره‌ای کنیم به این حدیث «رفع القلم عن الصبی» و روایاتی که درباره این حدیث وجود دارد؛ چون یکی از شرایط وجوب حجة الاسلام، بلوغ است و در روایات وارد شده که اگر صبی قبل از بلوغ، ده بار هم حج برود، مجزی از حجة الاسلام او نیست.

این بحث حدیث رفع از بحث‌های کلیدی و مهم است؛ یعنی در اصول در بحث اصالة البرائه این حدیث رفع مطرح می‌شود، بعد از اول فقه تا آخر فقه هر جا شرطیت بلوغ مطرح است، فقها تمسک به حدیث رفع می‌کنند که البته روایات مختلفی هم در حدیث رفع وجود دارد. در این حدیث این بحث مهم مطرح است که آیا فقط رفع مؤاخذه است؛ یعنی بگوئیم مؤاخذه برداشته شده یا در این حدیث، رفع تمام الآثار است که این تعبیر در کلمات مرحوم آخوند هست.

ما به تبع محقق نائینی (قده) رفع قلم تشریع را از ادله استفاده کردیم؛ یعنی از این روایات و حدیث رفع در مورد صبی استفاده می‌شود قلم تشریع؛ چه در احکام تکلیفیه و چه در احکام وضعیه، چه در عبادات و چه در معاملات. لذا مشهور قائل‌اند به اینکه معامله صبی باطل است (و ما هم در کتاب البیع به همین نتیجه رسیدیم) اگرچه بعداً ولی به او اجازه بدهد یا اینکه قبلاً به او اذن داده باشد و این غیر از موارد معامله فضولی است که با اجازه مالک درست می‌شود.

اگر ان شاء الله در این تعطیلات تابستان فرصتی فراهم شد، یک بحثی را برای خودتان در این زمینه قرار داده و به ابواب مختلف فقهی مراجعه کنید و ببینید بالأخره از این حدیث «رفع القلم عن ثلاثه»، آیا قلم مؤاخذه است یا قلم تشریع؟ حال اگر بگوئیم بین تشریع و جمیع الآثار فرق وجود دارد (که خیلی فرقی هم نیست)، این نیاز دارد به اینکه یک مقدار ذهن‌تان در این حدیث روشن شود.

این موسوعه‌ای که مرکز فقهی به عنوان «احکام الاطفال» تنظیم کرده، در هشت جلد عربی است (که هفت جلد آن بحمدالله چاپ شده) و خود من از اول تا آخر اشراف علمی بر آن داشتم و هم تعلیقه زدم؛ یعنی تعلیقه‌های فراوانی دارد، شاید در بعضی از مجلداتش بیش از 200 تعلیقه داشته باشد نه تعلیقه فتوایی، بلکه بیشتر تعلیقه استدلالی وجود دارد. لذا تقاضا دارم این بحث را دنبال کنید؛ چون در فقه هر جا می‌رسیم، بحث صبی مطرح است؛ در خمس، نماز، زکات، آیا صبی می‌تواند عقد نکاح داشته باشد یا نه؟ یا تقلید صبی چطور است؟

یکی از فروعاتی که وجود دارد این است که الآن یک کسی صبی ممیز است و به سن تکلیف هم نرسیده و یک سال به تکلیفش

مانده (صَبِيٍّ مَمَيَّزٍ به این معنا نیست که دو سه روز یا چهار پنج روز به تکلیفش مانده باشد، بلکه ممیز یعنی کسی که خوب را از بد و مصلحت را از مفسده تشخیص می‌دهد. ممکن است یک سال به تکلیفش مانده باشد)، اگر از شخصی تقلید کرد قبل از آنکه به بلوغ برسد و مرجع تقلید از دنیا رفت، حال که بالغ شد می‌خواهد از این مرجع تقلید تقلید کند، آیا این عنوان تقلید ابتدایی را دارد یا اینکه عنوان تقلید ابتدایی ندارد؟ آیا آن تقلیدی که کرده صحیحاً واقع شده یا خیر؟

یا در اقرار صبی، شهادت صبی، عقد صبی، حال اگر یک عقد نکاحی را صبی بخواند، انشاء صبی آیا نافذ است یا خیر؟ البته یک مورد در فقه استثنا شده و آن اینکه صبی اگر در سنّ ده ساله باشد، وصیتش نافذ است، اما در بقیه موارد در فقه ما بحث است.

بنابراین، دقت بیشتری در این ادله داشته باشید که این بحث را ان شاء الله به سال آینده موکول می‌کنیم و از اول شرایط وجوب حجة الاسلام با یک نگاه جامعی به این حدیث رفع قلم بحث را آغاز خواهیم کرد. البته در همین جا روایات خاصه هم داریم، روایات خاصه‌ای که اگر صبی حج انجام داد، مُجْزِی از حجة الاسلام او نیست، ولی قبل از آن روایات خاصه، روایت عامه هست، مثل همین روایت: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَبْلُغَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَنْتَبِهَ»<sup>[1]</sup>.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

---

[1] □ «وَرُويَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّهُ (ص) قَالَ: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَبْلُغَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَنْتَبِهَ.»  
عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية ؛ ج 3 ؛ ص 528، ح 3.